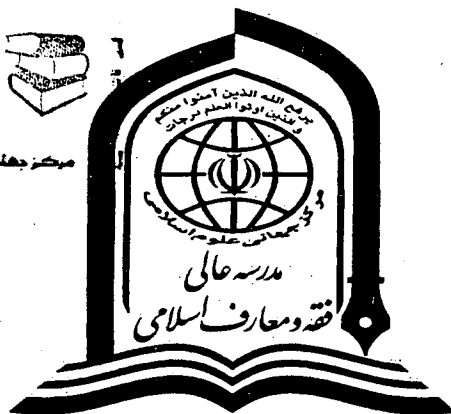


کتابخانه جامع
جامعه العلوم
معاونت پژوهش
مرکز جهانی علوم اسلامی



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

پژوهشی در باره‌ی زهد در فرهنگ اسلامی

استاد راهنما:

دکتر نجارزادگان

استاد مشاور:

حجة الاسلام اسحاق نیا

دانش پژوه:

عوض علی مرادی

سال ۱۳۸۳

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۱۴۴۶
تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقديم به:

ساحت مقدس چهارده معصوم عليهم
الصلاة والسلام بالخصوص به مقام
والای حضرت امام حسین(ع) و برادرش
ابوالفضل عباس(ع) و یاران با وفایش
وبه خدمت حضرت فاطمه ی
معصومه(س) که تاسی به آنها مایه ی
نجات ما انسان هاست.



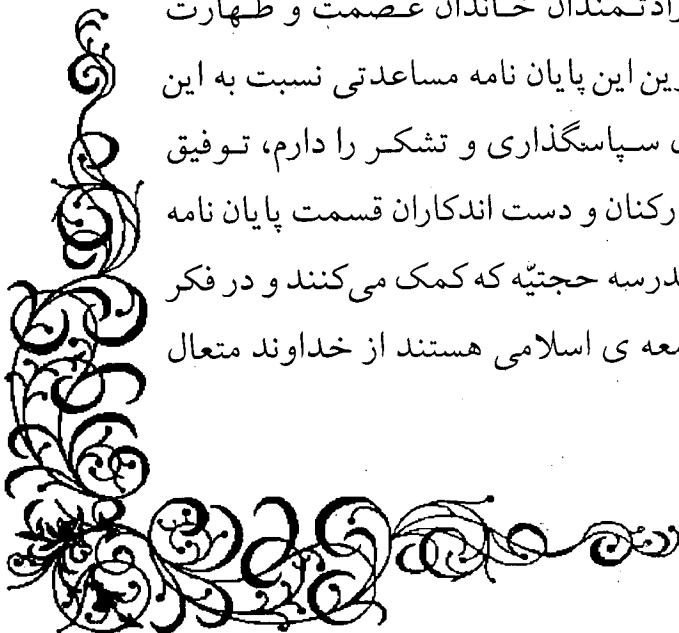


با سپاس از:

خداوندی که با عنایات ویژه، در لحظه لحظه ی زندگی مرا یاری کرد، و توفیق سپاسگزاری به این حقیر عنایت فرمود، و به ما منت نهاد که نام مبارک او را در زبان جاری سازیم و به او توکل و امید بجوئیم.

و سپاس همراه با درود سلام بی پایان بر آخرین فرستادگانش پیامبر عظیم الشأن اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اهل بیت او و نایب بر حقش حضرت آیه الله خامنه که واسطه ی فیض و بزرگترین نعمت های او بر ما هستند.

در این جا بر خود لازم می دانم از حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر نجار زادگان که در جهت استاد راهنما و حجة الاسلام و المسلمین آقای اسحاق نیا در مقام مشاور که از دوستان و ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت می باشند، و در تدوین این پایان نامه مساعدتی نسبت به این حقیر نمودند، کمال سپاسگذاری و تشکر را دارم، توفیق آنان و نیز همه ی کارکنان و دست اندکاران قسمت پایان نامه و مسئولین محترم مدرسه حجتیه که کمک می کنند و در فکر ساختن و ترقی جامعه ی اسلامی هستند از خداوند متعال مسئلت دارم.



فهرست مطالب

۳ تقدیم به:
۴ سپاس از:
۹ مقدمه:

فصل اول: تحلیل زهد

۱۲ زهد در لغت
۱۵ زهد در دیدگاه معصومان:
۱۵ ۱- امام علی (ع).
۱۷ ۲- امام سجاد (ع).
۱۷ ۳- امام صادق (ع).
۲۲ زهد در دیدگاه دانشمندان:
۲۲ ۱- مولی مهدی نراقی.
۲۲ ۲- ملا احمد نراقی.
۲۳ ۳- آیه الله جوادی آملی.
۲۶ ۴- عبد الله انصاری.
۲۸ فهرست منابع (فصل اول):

فصل دوم: مراتب زهد

۳۰ درجات زهد:
۳۱ انواع زهد غیر عارف:
۳۳ زهد عارف:



- تفاوت زهد عارف و غیر عارف: ۴۰.....
- نتیجه: ۴۵.....
- فهرست منابع (فصل دوم): ۴۷.....

فصل سوم: نشانه‌های بارز زهد و زاهدان

- الف) بی‌علاقگی به دنیا: ۴۹.....
- ب) خوف از خدا و سرای آخرت: ۵۳.....
- ج) حب و بعض در مدار توحید: ۵۶.....
- د) همدردی با خلق خدا: ۵۸.....
- ه) ایثار: ۶۴.....
- نمونه‌ای از ایثار در جنگ موته: ۶۷.....
- فهرست منابع: (فصل سوم) ۷۳.....

فصل چهارم: رابطه‌ی زهد و تلاش در دنیا

- رابطه‌ی زهد و تلاش در دنیا: ۷۶.....
- آیات قرآن و دستور به تلاش: ۷۹.....
- سنت معصومان درباره‌ی کوشش در دنیا: ۸۳.....
- روایات رسول اکرم (ص): ۸۳.....
- حدیث امام حسن (ع): ۸۸.....
- احادیث امام صادق (ع): ۸۹.....
- حدیث امام رضا (ع): ۹۱.....
- نتیجه: ۹۲.....
- فهرست منابع: (فصل چهارم) ۹۵.....

فصل پنجم: رابطه‌ی زهد اسلامی با زهد تصوف و رهبانیت

۹۸	تعریف تصوف
۱۰۰	نگاهی کوتاه به دیدگاه صوفیان:
۱۰۲	زهد در اصطلاح صوفیه
۱۰۲	نقد نظریه‌ی صوفیه از نظر آیات:
۱۱۰	نقد از نظر روایات:
۱۱۲	مناظره‌ی امام صادق (ع) پیرامون زهد منسوخ:
۱۲۳	نتیجه
۱۲۴	تفاوت در رعایت زهد:
۱۲۷	زهد رهبانیت:
۱۲۸	اسلام و رهبانیت:
۱۳۱	نقد زهد رهبانیت در روایات:
۱۳۳	تفاوت زهد اسلامی با رهبانیت مسیحی:
۱۳۵	تفاوت زاهد و راهب:
۱۳۷	نتیجه:
۱۳۸	فهرست منابع: (فصل پنجم)

فصل ششم: الگوهای زاهدان دینی

۱۴۱	سیره‌ی زاهدانه پیامبر (ص):
۱۴۶	سیره‌ی زاهدانه‌ی امام علی (ع):
۱۵۰	زهد و عبادت امام حسن مجتبی (ع):
۱۵۲	زهد و عبادت امام حسین (ع):



- ۱۵۵ زهد و عبادت حضرت امام زین العابدین(ع):
 ۱۵۸ زهد و عبادت امام محمد باقر(ع):
 ۱۶۰ زهد و عبادت امام جعفر صادق(ع):
 ۱۶۱ زهد و عبادت امام موسی کاظم(ع):
 ۱۶۵ سیره‌ی عملی حضرت امام رضا(ع):
 ۱۶۸ زهد حضرت شعیب(ع):
 ۱۷۰ زهد شیخ مرتضی انصاری:
 ۱۷۲ چکیده:
 ۱۷۶ «ضمیمه کتابشناسی»
 ۱۷۹ «فهرست منابع و مآخذ»

مقدمه:

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا سيد المرسلين و خاتم النبيين محمد بن عبد الله و صلى الله عليه و آله و سلم و على بنته فاطمة الزهراء و على بن عمه و وصيه على بن ابيطالب و على اولاده المعصومين عليهم السلام و لعنة الله على اعدائهم اجمعين من الاولين و الآخرين».

بعد از حمد و ثنای خداوند منان، این مطلب برای همه روشن است که انسان یک موجود بسیار ارزش مندی است که خداوند بزرگ او را اشرف مخلوقات قرار داده است.

البته در صورتی که خود را مطابق ارزش‌ها و هدف‌های شایسته اسلام که یکی از آنها زهد و پارسائی و بی رغبتی نسبت به دنیا هست وفق دهند.

و این زهد و پارسائی تنها مزیت حقیقی انسان است، و عاملی است که انسان را به سعادت و خوشبختی حقیقی که زندگی طیبه و ابدی در جوار رحمت پروردگار است می‌ماند و نه تنها مایه‌ی سعادت اخروی است، بلکه سعادت دنیوی انسان را نیز تأمین می‌کند، چون خود را از پیروان معصومین علیهم السلام دانسته و ابتدا دل از دنیا می‌برد و با سعی و کوشش خودشان زندگی را می‌چرخاند و با اموال و ثروتی که به دست می‌آورد به کمک نیازمندان و مستضعفان می‌پردازند، و حاضر می‌شوند که خود را به سختی چند روزی دنیائی بیندازند ولی مردم در آسایش کامل بسر ببرند.

بنابر این زهد نتیجه همه‌ی شریعتی است که خداوند از آغاز توسط پیغمبران به مردم تبلیغ نموده، زیرا اگر انسان دارای این صفت پسندیده گردید در آن وقت محل و مرجع همه‌ی خوبی‌ها قرار می‌گیرد، از زیبایی‌های دنیای فانی دست می‌کشد و عمل به

روایت امام جعفر صادق علیه السلام می‌کند که فرمود:

«جعل الخیر کلّه فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنیا^(۱)»، «یعنی همه خیر و

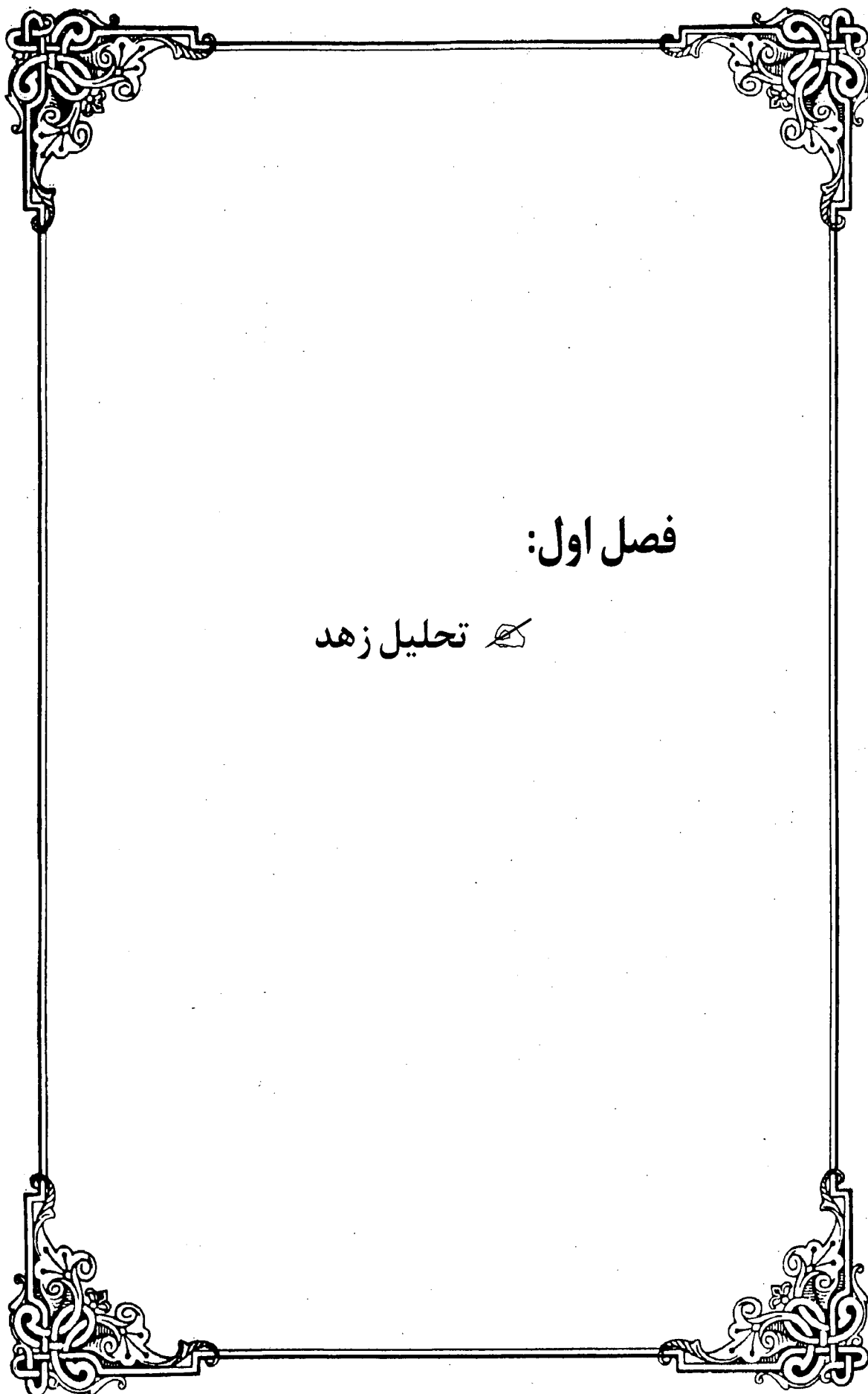
سعادت در خانه‌ای نهاده شده و کلیدش را زهد و بی‌رغبتی به دنیا قرار داده‌اند».

وقتی که نگاهی به صدر اسلام بیندازیم می‌بینیم که پیامبر عظیم شأن اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و سایر ائمه اطهار و اصحاب گرامیش چون سلمان و ابوذر و عمار و... در زهد و پارسایی نمونه بوده‌اند و از دنیا و اموال آن گریزان و به آخرت رغبت داشته‌اند.

امروز هم دانشمندان و علماء بزرگ در جهت تبلیغ زهد و پارسایی و بی‌رغبتی نسبت به دنیا در جامعه فداکاری‌های نموده‌اند و قدم‌های مؤثری برداشته‌اند که از رفتار و کردارشان معلوم و روشن است آنان ابتدا خودشان را در زهد و پرهیزکاری تعلیم داده‌اند، البته این زهد اسلامی همواره با سعی و کوشش و حضور در میان مردم و اصلاح آنان برای بالا بردن سطح فکری و اقتصادی جامعه است و از تنبلی و سستی و چشم دوختن به دیگران بسیار فاصله دارد.

و السلام

عوض علی مرادی



فصل اول:

تحليل زهد 

فصل اول: تحلیل زهد

۱ - زهد در لغت به معنای بی رغبت شدن، ناخواهان شدن، پارسا شدن، روی باز گردانیدن از چیزی است به واسطه‌ی حقیر شمردن آن چیز، ترک دنیا، اعراض از دنیا، گرفتن اقل کفایت از حلال و ترک زاید.

در یاد داشت به خط مرحوم دهخدا آمده است که زهد را معنا نموده و گفته زهد در لغت اعراض از اشیاء است به جهت کوچک و خار دانستن آنها.

و در مزهد و فیه: اختلاف است بعضی می‌گویند: که زهد در ترک دنیا و درهم است و بعضی می‌گویند: زهد در مطعم و مشرب است یعنی کسی که خوردن و آشامیدن را ترک کند آن را زاهد می‌گویند و زهد ورزیده است.

و بعضی گویند: زهد یعنی ترک نعمة الدنيا و الآخرة - یعنی بی رغبت بودن به دنیا و آخرت و گفته شده است که زهد این است که توجه به مال دنیا نداشته باشی و در خبر است که کسی اگر از دنیا دوری کند و از مال این دنیای فانی اعراض نماید قلب او محل ورود انوار و تجلیات الهی قرار می‌گیرد.^(۱)

۲ - در کتاب فرهنگ جدید عربی به فارسی - ترجمه منجد الطلاب - زهد را اینگونه تعریف کرده: زهد (زَهْدٌ وَ زَهْدٌ - زهدا و زهاده) فی الشیء و عن الشیء یعنی آن چیز را ترک کرد، نسبت به آن بی میل شد، چشم پوشی کرد.

۱ - علی اکبر، لغت نامه دهخدا، - حرف - ز - صفحه ۵۵۹، چاپ در سال ۱۳۳۹.

پس - زهده - فی الشیء و عن الشیء، نسبت به آن چیز بی میلش کرد.

(تزهّد) پارسا شد، عابد و زاهد و گوشه گیر شد.

(ازهد الشیء) آن چیز را کم و بی ارزش شمرد.

(الزهد و الزهادة) از چیزی کناره گیری کردن.^(۱)

۳ - اما زهد که در فرهنگ بزرگ جامع نوین معنا شده عبارتند: «زَهْدٌ» فیه زهدا و

زهادة یعنی ناخواهانی نمود و برگشت و ترک نمود، پس زهد یعنی ناخواهانی و بی

رغبتی از دنیا به جهت عبادت کردن و حقیر شمردن دنیا است.^(۲)

۴ - زهد = یعنی رغبت گردانیدن از چیزی و عبادت کردن.^(۳)

۵ - در کتاب لسان العرب می‌گوید: الزَّهْدُ و الزَّهَادَةُ = فی الدنیا و لایقال الزهد الا فی

الدنیا خاصه، و الزَّهْدُ: ضد الرغبة و الحرص علی الدنیا.^(۴)

یعنی زهد و پارسائی در دنیا است، و گفته نمی‌شود زهد و پارسائی مگر در دنیا فقط،

پس زهد در حقیقت ضد رغبت و شوق و علاقه و حرص و ورزیدن به مال دنیا است، و

کسی که این علاقه و رغبت را ترک کند و دل خود را به سوی نور الهی بکشانند آن زهد

ورزیده است.»

۶ - در مفردات راغب زهد را چنین معنا می‌کند و می‌گوید: زهد: الزهید الشیء

القلیل و الزاهد فی الشیء الراغب عنه، و الراضی منه بالزهید ای القلیل «و كانوا فیه من

الزاهدین»^(۵).

زهد یعنی به شیء کم و چیز کم اکتفا نمودن، و زاهد یعنی کسی که از مال دنیا رو

گردان باشد و مایل به جمع کردن مال دنیا نباشد، و راضی باشد به چیز کم و به آن قناعت

۱ - محمد بندر ریگی، فرهنگ جدید عربی به فارسی - ترجمه منجد الطلاب ص ۲۵۵، چاپ یازدهم، تاریخ انتشار: ۱۳۷۴.

۲ - احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱، ص ۵۹۲، چاپ نهم.

۳ - محمد بن عبد الخالق بن معروف، فرهنگ کنز اللغات - عربی - فارسی - ص ۷۰۰.

۴ - الامام العلامة ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۹۷، چاپ اول.

۵ - علامه راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۲۰.

بورزد، و مصداق از آیه‌ی و كانوا فيه من الزاهدين باشد که این آیه پیرامون حضرت یوسف بیان شده که مردم از خریدن حضرت یوسف دوری می‌کردند و مایل به خریدن آن حضرت نبودند. پس زهد یعنی بی میلی و بی رغبتی به مال دنیا و روی آوردن به آخرت.

۷- در کتاب العین می‌گوید: زهد: الزهد فی الدین خاصه، و الزهاده فی الأشياء کلها، و رجل زهید، و امرأه زهیده و هما القلیل طعمهما^(۱).

در کتاب العین می‌گوید: زهد در دین فقط گفته می‌شود، اما زهاده و پارسائی در تمام اشیاء صادق است و می‌توان نسبت به تمام امور زاهد باشد، اینکه می‌گوئیم مرد زاهد و یازن زهیده، یعنی اینکه آنها در خوردن و آشامیدن به چیز کم و قلیلی اکتفا نموده است. و با توجه به تعریفهای لغوی زهد این معنابدست می‌آید که زهد همان بی میلی و دوری کردن از متاع و لذتی دنیوی می‌باشد و گاهی این دوری از لذتهای دنیا از روی آگاهی و دانایی صورت می‌گیرد چون می‌داند که این عالم فانی شدنی است و تمام لذت‌های آن موقتی است و آنچه باقی می‌ماند همان انجام عمل نیک و دوری کردن از آلودگیهای این دنیا می‌باشد و اگر زهد به این صورت و از روی دانایی انجام بگیرد ارزش دارد البته ناگفته نماند که اسلام آن زهدی را می‌خواهد و انسان به سوی آن کشانیده شود که از جامعه دوزی نکند و در دارایی صورت بگیرد و در درون جامعه باشد و در فکر رشد مردم باشد این نوع زهد دارای ثواب و اجر و پاداش می‌باشد.

اما گاهی زهد از روی نادانی و نافروری صورت می‌گیرد و به فریب دادن مردم مشغول

۱ - لابی عبد الرحمن الخلیل بن احمد الفراهیدی، تحقیق: دکتر مهدی مخرومی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۲، چاپ دوم، انتشار: ۱۴۱۰ هجری.

می‌شود به این صورت که از مردم فاصله می‌گیرد و به عبادت مشغول می‌گردد و کار به خوب و بد مردم جامعه ندارد و دست از کار و کوشش بر می‌دارد و چشم به سوی دیگران می‌افکند و زن و فرزندانش را فقیر نگه می‌دارد این نوع زهد نه اینکه ثواب و پاداش ندارد بلکه گناه و عذاب الهی در پی خواهد داشت زیرا خداوند فرموده: «و انّ لیس للانسان الا ما سعی»^(۱).

یعنی نیست برای انسان مگر سعی و کوشش در کارها، و زحمتی زیاد باید کشید و در فکر ترقی جامعه و مردم باید بود.

زهد در دیدگاه معصومان:

معنای زهد در سخنان معصومین علیهم السلام به طور فراوان ذکر شده‌اند که ما چند روایتی از آنها را بیان خواهیم کرد:

۱ - امام علی علیه السلام:

در نهج البلاغه در لا بلای بیانات حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که خود نمونه‌ی کاملی از یک زاهد راستین بود، در تفسیر زهد چنین می‌خوانیم، که می‌فرمایند: «الزهد بین کلمتین من القرآن، قال الله سبحانه، لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم» (سوره الحدید، آیه ۲۳).

«فمن لم یأس علی الماضي و لم یفرح بالاتی فقد اخذ الزهد بطرفیه»^(۲).

یعنی تمام زهد در میان دو جمله از قرآن است، آنچه را که خداوند متعال می‌فرماید: این برای آن است (هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی

۱ - سوره النجم، آیه ۳۹.

۲ - محمد دشتی، نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۳۹.

نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها را قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ نوشته و ثبت است و این امر برای خداوند آسان است) که آنچه از دست داده‌اید غمگین نشوید، و به آنچه خدا به شما داده دل بسته و مغرور نباشید.

«بنابراین هر کس بر گذشته تأسف نخورد و به آنچه در دست دارد دل بسته نباشد،

زهد را از هر دو طرف در اختیار گرفته است».

پس زهد یک خصیصه‌ی درونی و ذاتی است نه یک رفتار بیرونی.

در جای دیگر از نهج البلاغه می‌خوانیم:

«ایها الناس الزهاده قصر الامل و الشکر عند النعمة و الورع عمّا حرّم الله

علیک»^(۱).

یعنی زهد کوتاهی آرزوها و شکر گزاری نعمتها و پرهیز از حرام

و نامشروع است.

از این روایت سه چیز اصلی فهمیده می‌شود.

الف - کاستن از آرزوهای دور و دراز که انسان را در خود فرو می‌برد و از آنچه غیر از خود و منافع خویش است، بیگانه می‌سازد و مجال هر گونه فعالیت به نفع توده‌ها را از او سلب می‌کند.

ب - شکر که روح آن - طبق منطق مذهبی - صرف هر نعمت و موهبی است در مسیر هدفهایی که شایسته آن است، نه اندوختن و انباشتن و گنجینه ساختن و از مسیر منافع عمومی خارج نمودن.

ج - پرهیز از گناه و هر گونه در آمد نامشروع و ثروت و مقامی که از طریق ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران فراهم گردد.

۱ - محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۱۰، چاپ دوم.

در این حدیث نشانه‌ها و آثار برونی زهد را می‌یابیم.

۲ - امام سجاده علیه السلام:

روایت از امام زین العابدین علیه السلام درباره‌ی حقیقت زهد بیان شده که می‌فرماید:

«انّ رجلا سأل علی بن الحسین (ع) عن الزهد، فقال: عشرة أشياء فأعلى درجة الزهد أدنى درجة الورع، وأعلى درجة الورع أدنى درجة اليقين، وأعلى درجة اليقين أدنى درجة الرضا، الا وانّ الزهد في آية من كتاب الله عز وجل «لكيلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم»^(۱).

کسی خدمت امام چهارم حضرت امام زین العابدین علیه السلام آمد و عرض کرد، زهد چیست؟ امام علیه السلام فرمود زهد دارای ده جزء و قسم است یعنی ده مرتبه و درجات است، بالاترین درجه‌ی زهد، پائین‌ترین درجه‌ی ورع است، و بالاترین درجه‌ی ورع پایین‌ترین درجه‌ی یقین است، و بالاترین درجه‌ی یقین پائین‌ترین درجه‌ی الرضاء است.

پس در نتیجه زهد بین دو کلمه‌ی از کلام خداوند می‌باشد که خداوند فرموده آنچه را که از دست داده‌ای افسوس نخور و ناراحت نباش و آنچه که به دست شما رسید خوشحال نشو».

۳ - امام صادق علیه السلام:

در تفسیر قمی: به سند خود از حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: به امام گفتم: فدایت شوم حد زهد در دنیا چیست؟ فرمود: حد آن را خدای تعالی در کتابش بیان کرده، فرمود:

«لكيلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم».

۱ - مجلسی: محمد باقر، پیشین، ص ۵۰ (محمد ری شهری، ترجمه، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۳۴).

زهد تمامیش بین دو کلمه‌ی از قرآن خلاصه شده، که همین آیه را امام تلاوت می‌کند، و معنایش می‌فرماید: یعنی کسی که بر گذشته تأسف نخورد، و به آنچه که بدست او می‌آید خوشحال نشود، هر دو طرف زهد را گرفته است»^(۱).

اکنون که مشخص شد دو جمله از آیه قرآن حقیقت زهد را بیان کرده لازم است، تفسیر این آیه را بیان کنیم، خداوند می‌فرماید:

«ما أصاب من مصيبة في الارض و لا في انفسكم الا في كتاب من قبل أن نبرأها ان ذلك على الله يسير، لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم و الله لا يحب كل مختال فخور» "سورة الحديد آیه ۲۳".

خداوند می‌فرماید: هیچ مصیبتی ناخواسته - در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه‌ی آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در کتاب ثبت است، و این امر برای خدا آسان است، این به خاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید، و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

در تفسیر نمونه درباره‌ی این جمله چنین می‌خوانیم:

«این دو جمله کوتاه در حقیقت یکی از وسایل پیچیده فلسفه آفرینش را حل می‌کند چرا که انسان همیشه در جهان هستی با مشکلات و گرفتاریها و حوادث ناگواری رو به رو می‌شود و اکثرا و غالبا از خود می‌پرسد، با اینکه خداوند مهربان و رحیم و کریم است پس چرا این قدر حوادث و درد و غم برای انسان وارد می‌کند و انسان مریض می‌شود و دست یا یکی از اعضاء بدنش را از دست می‌دهد و یا یکی از نزدیکانش از قبیل پدر و مادر و فرزندان را از دست می‌دهد، این همه حوادث برای چیست؟

۱ - موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۹۴، انتشار: ۱۳۶۳.

اینجاست که خداوند در قرآن می‌فرماید: هدف این بوده که شما دلبسته و اسیر زرق و برق این جهان نباشید. منظور این بوده که موقعیت این گذرگاه و پلی که نامش دنیا است و همچنین موقعیت خودتان را در این جهان گم نکنند، دلباخته و دلداده آن نشوید، آن را جاودانه نپندارید که این دلبستگی فوق‌العاده بزرگترین دشمن سعادت شما است، شما را از یاد خدا غافل می‌کند و از مسیر تکامل باز می‌دارد.

این مصائب زنگ بیداری شماست، برای غافلان تازیانه و شلاقی است بر ارواح خفته‌ی آنان، و رمزی است از ناپایداری جهان، و اشاره‌ای است به کوتاه بودن عمر این زندگی.

حقیقت این است که مظاهر فریبنده‌ی این - دار الغرور - زود انسان را به خود جذب و سرگرم، و از یاد حق غافل می‌کند، ناگهان بیدار می‌شود که کاروان رفته، و او در خواب بوده و تنها می‌ماند.

این حوادث که همیشه در زندگی بوده و همیشه خواهد بود، به خاطر شکننده‌ی تفاخر و غرور است تا انسان خود را بسازد و آنچه بر او وارد می‌آید راضی باشد، زیرا افراد با ایمان هنگامی که به نعمتی از سوی خدا می‌رسند خود را امانتدار او می‌دانند، نه از رفتن آن غمگین می‌شوند نه از داشتن آن مسرور و مغرور، در حقیقت آنها خود را همچون مسئولان بیت المال می‌دانند که یک روز اموال زیادی را دریافت و روز دیگر هزاران هزار پرداخت می‌کنند، نه از دریافتش ذوق زده می‌شوند و نه از پرداختنش غمگین»^(۱).

پس به این نتیجه می‌رسیم که زهد در حقیقت همان چیزی است که امام علی علیه السلام در

۱ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۵۸، چاپ: هفتم.

نهج البلاغه فرموده: الزهد كله بين كلمتين من القرآن الخ - زهد آن است که انسان ناراحت نشود آنچه را که از دست می‌دهد (چه جانی و چه مالی باشد) و خوشحال نشود از آنچه که بدست او می‌آید زیرا همه‌ی این موجودات از آن خداست و روزی به انسان داده می‌شود و روزی هم از انسان گرفته می‌شود.

در تفسیر المیزان درباره‌ی آیه‌ی مذکور می‌گوید: «این جمله بیانگر علت مطلبی است که در آیه قبل بود البته اشتباه نشود که در آن آیه قبل دو چیز بود یکی خبری که خدا خبر می‌داد از نوشتن حوادث قبل از وقوع آن، و یکی هم خود حوادث، و آیه مورد بحث بیانگر خبر دادن خداست، نه خود حوادث، و کلمه «اسی» مبدا فعل «تاسوا» است به معنای اندوه است،

و منظور از «مافات» و نیز از «ماتی» نعمت فوت شده، و نعمت داده شده است. و معنایش این است که: اینکه ما به شما خبر می‌دهیم که حوادث را قبل از اینکه حادث شود نوشته‌ایم، برای این خبر می‌دهیم که از این به بعد دیگر به خاطر نعمتی که از دستتان می‌رود اندوه مخورید، و به خاطر نعمتی که خدا به شما می‌دهد خوشحال نشوید، برای اینکه انسان اگر یقین کند که آنچه فوت شده باید می‌شد، و ممکن نبود که فوت نشود، و آنچه عایدش گشت باید می‌شد و ممکن نبود که نشود، و دیعه‌ای است که خدا به او سپرده چنین کسی نه در هنگام فوت نعمت خیلی غصه می‌خورد، و نه در هنگام فرج و آمدن نعمت، (مثل کارمندی می‌ماند که سر برج حقوقی دارد و بدهی‌های هم باید پردازد نه از گرفتن حقوق شادمان می‌شود و نه از دادن بدهی غمناک می‌گردد).

بعضی از مفسرین در پاسخ این سؤال که چرا فوت شدن را به خود فوت شدنی‌ها